

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۹/۲۱

احمد فواد ارسلا

سخنان بی‌قید، اعمال مشروط: بازی دوگانه پاکستان در برابر عربستان سعودی

خوانندگان محترم، این مقاله چند روز قبل به انگلیسی نشر و به مقصد تأثیر گذاری و عرضه تحلیل برای خوانندگان انگلیسی زبان ترویج شده است که اگر برای خواننده گان مطلع افغان که ده ها از مکر پاکستان آگاه هستند تکراری به نظر برسد از قبل پوزش میطلبم.



شکاف میان آنچه رهبری نظامی پاکستان می‌گوید و آنچه در عمل انجام می‌دهد، رو به گسترش است. این تفاوت در برخورد آن با عربستان سعودی به‌گونه روشن دیده می‌شود. اظهارات علنی قاطع، حتی نمایشی است. سخنگوی نظامی پاکستان از تعهد «بی‌قید و شرط» به امنیت عربستان سخن می‌گوید و تصویر یک اتحاد استوار و آمادگی کامل را نشان می‌دهد. اما واقعیت عملی که در سراسر منطقه جریان دارد، داستانی بسیار حساب‌شده‌تر را نشان می‌دهد.

پاکستان همراه با عربستان عمل نمی‌کند، بلکه خود را در اطراف عربستان جای می‌دهد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

این تفاوت اهمیت دارد.

در زمانی که عربستان سعودی با فشارهای رو به افزایش از سوی تهدیدهای منطقه‌ای، از جمله حملات در حال افزایش نیروهای همسو با ایران روبه‌رو است، اسلام‌آباد لغت پردازی را بر عمل ترجیح داده است. تحلیلگران پیش از این نیز اشاره کرده‌اند که با وجود توافق‌های دفاعی و دهه‌ها همکاری نظامی، پاکستان محتاط باقی مانده و به جای دخالت مستقیم، بر گفتگو و خویشتنداری تأکید کرده است. این تردید نیست. این یک طرح است.

تشکیلات نظامی پاکستان در حالی که همبستگی خود را به ریاض نشان می‌دهد، با دقت از هزینه‌های همسویی واقعی دوری می‌کند.

در همان زمان، روایت دیگری را نیز تقویت می‌کند. این‌گونه القا می‌شود که مردم پاکستان به‌گونه کامل در کنار عربستان ایستاده‌اند. این پیام‌رسانی حساب‌شده است. این کار فاصله‌ای میان احساسات مردمی و رفتار تشکیلات دولتی ایجاد می‌کند و به دولت اجازه می‌دهد که همسویی اخلاقی را ادعا کند، در حالی که انعطاف ستراتیژیک خود را حفظ می‌کند. بار وفاداری به دوش مردم گذاشته می‌شود، در حالی که مرکز تصمیم‌گیری از تعهد روشن دور می‌ماند.

و سپس، تقریباً هم‌زمان، بی‌ثباتی داخلی شدت می‌گیرد.

افزایش خشونت در مناطق غربی پاکستان، از جمله انفجارهای مرگبار، حملات گروه‌های مسلح، و عملیات‌های متقابل، تصویر کشوری را تقویت می‌کند که درگیر بحران‌های امنیتی خود شده است. این رویدادها واقعی و مرگبار اند، اما نقش دوم نیز دارند. آن‌ها توجهی آماده برای بی‌عملی در بیرون فراهم می‌کنند. کشوری که در داخل درگیر است، انتظار نمی‌رود که در بیرون قدرت‌نمایی کند.

این تصادفی نیست. این زمان‌بندی است.

در همین حال، رفت‌وآمدهای سیاسی در جهت دیگری افزایش می‌یابد. ترکیه و قطر پیش‌قدم می‌شوند، با کابل وارد گفتگو می‌شوند، تلاش برای کاهش تنش‌ها می‌کنند، و راه‌هایی را بررسی می‌کنند که فشار در امتداد مرز افغانستان و پاکستان را کاهش دهد. این تصویر گویاست. در حالی که پاکستان به‌گونه علنی با عربستان همسویی نشان می‌دهد، در سکوت محیطی منطقه‌ای را فراهم می‌کند که دیگران بار ثبات‌سازی را به دوش بگیرند.

نتیجه، یک ستراتیژی چندلایه است.

پاکستان عربستان را با سخن آرام می‌سازد، مردم خود را با همسویی نمایشی قانع می‌کند، و خود را با امکان انکار قابل باور حفظ می‌کند. نه ریاض را رها می‌کند و نه به‌گونه کامل به آن متعهد می‌شود. بلکه فضا ایجاد می‌کند. فضا برای حرکت، برای حفظ انتخاب‌ها، و برای انتظار.

این رفتار یک دولت گرفتار شرایط نیست. این رفتار اساسی است که از اهرم‌ها به‌خوبی آگاه است.

با نشان دادن وفاداری بدون عمل الزام‌آور، پاکستان روابط خود را در محورهای رقیب حفظ می‌کند. از درگیر شدن در تقابل‌های رو به افزایش عربستان دوری می‌کند، در حالی که دسترسی، نفوذ، و پیوندهای مالی خود را نگه می‌دارد. بی‌ثباتی داخلی را هم به‌عنوان واقعیت و هم به‌عنوان سپر به‌کار می‌گیرد. و با سپردن مدیریت تنش‌های منطقه‌ای به میانجی‌هایی مانند ترکیه و قطر، میزان درگیری خود را کاهش می‌دهد در حالی که همچنان در مرکز معادله باقی می‌ماند.

اما چنین ستراتیژی بدون خطر نیست.

برای عربستان، پیام پنهان در پس این اظهارات روشن است. تضمین‌های علنی همیشه به تعهد عملی تبدیل نمی‌شود. برای منطقه، این نمونه چرخه‌ای از بی‌ثباتی مدیریت‌شده را تقویت می‌کند، جایی که بحران‌ها حل نمی‌شوند بلکه جابه‌جا می‌شوند.

تشکیلات نظامی پاکستان سردرگم نیست. در حال محاسبه است.

این تشکیلات هم‌زمان در چند صفحه بازی می‌کند، در یک سو وفاداری نشان می‌دهد و در سوی دیگر به‌گونه پنهانی مسئولیت را جابه‌جا می‌کند. پرسش این نیست که آیا این ستراتیژی عمدی است یا نه. شواهد نشان می‌دهد که چنین است.

پرسش واقعی این است که این توازن تا چه زمانی دوام می‌آورد، پیش از آن‌که سخن و واقعیت با هم برخورد کنند.



آرشیف: مطالب نشرشدهٔ محترم احمد فواد ارسلا